

نگاهی به موانع پیش‌روی عبدالله در راه صلح افغانستان

انتحار و تشدید اختلاف!



فرشاد گلزاری

صلح در افغانستان یک آرزوی دیرینه بوده و هم‌اکنون مردم این کشور چشمشان به دهان سیاستمداران و نظامیان است تا شاید یک خبر نوبدیخشان از آنها بشنوند تاریخ به خوبی گواهی می‌دهد که افغانستان از ۱۹۷۹ تاکنون به مدت ۴۱ سال درگیر انواع و اقسام جنگ‌ها و ناآرامی بوده است. در اواخر دهه ۷۰ میلادی لشکر چهل ارتش سرخ شوروی وارد این کشور شد تا بتواند پرچم کمونیست را در آنجا به اهتزاز درآورد و سرود ناترو ناسیونال را در سراسر این کشور بنوازد. مسکود آن زمان به امید اینکه بتواند افغانستان را مانند سایر جمهوری‌های خود (ازبکستان، آذربایجان، ارمنستان، قزاقستان و غیره) وادار به پذیرش خط مشی کمونیست کند، وارد این کشور شد و البته هزینه‌های بسیار سختی را متحمل شد. به یاد دارم در سال ۱۳۹۵ زمانی که در مصاحبه اختصاصی با بولان جاگاریان (سفیر فعلی

فدراسیون روسیه در تهران) از او در مورد افغانستان و اقدامات ارتش سرخ شوروی سوال کردم، صریحاً اعلام کرد که آن کار، اشتباه بود و نباید صورت می‌گرفت؛ چرا که فرهنگ، اجتماع و حتی سیاست در این کشور با اسلام گره خورده بود و نمی‌توانستیم این موضوع را تغییر دهیم یا به جای آن فرهنگی کمونیستی را جایگزین کنیم. این موضوع یک حقیقت محض است که افغان‌ها اساساً انسان‌های سرسخت و رنج‌پذیرند. هستند. از چنگیز خان مغول گرفته تا ارتش سرخ و کماندوهای آمریکا، به دلایل مختلف بر این کشور تاخته‌اند و هر کدام هم‌دلایل خودشان را داشته‌اند؛ اما هیچ‌کدام از آنها نتوانستند آرامش را برای مردم افغانستان به ارمغان بیاورند. بخشی از دلایل این اتفاق، حضور القاعده در افغانستان و ارتباط آنها با طالبان بود که نهایتاً ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را به وجود آورد. فرورختن هیمنه ایالات متحده آن هم توسط یک گروه بنیادگرای رادیکال به رهبری اسامه بن لادن، بهانه خوبی برای آمریکایی‌ها به وجود آورد که برای مبارزه با تروریسم و سرکوب آن به افغانستان لشکر کشی

کنند. ورود نظامیان ایالات متحده به افغانستان بدون تردید منافعی را برای آمریکا از حیث نظامی، استراتژیک، ژئواستراتژی و اقتصادی به همراه داشته و دارد اما مسأله اینجاست که آمد و شد آنها به همسایه شرقی ایران نتوانست افراط‌گرایی و تروریسم را از بین ببرد. بر اساس آخرین آمارهای منتشر شده، حدود ۲۰ تا ۲۵ گروه تروریستی در خاک افغانستان مشغول به فعالیت هستند که این آمار منهای فعالیت‌های داعش در شرق و مرکز این کشور است. به همین جهت سخن گفتن از صلح در افغانستان به نظر می‌رسد کمی زود است و البته برخی دیگر اعتقاد دارند که این یک امر دست‌نیافتنی است.

عبدالله و طالبان: دلیله تیغ!

واقعیت این است که صلح در افغانستان فقط موضوعی است که اگر پدیدار شود، بدون تردید ایالات متحده را مجبور به حاشیه‌نشینی می‌کند؛ به عبارتی دیگر اگر در افغانستان شاهد به وقوع پیوستن صلح یکپارچه شویم، عملاً منافع ایالات متحده به خطر می‌افتد؛ چرا که واکنشگن از خلق و توزیع بحران منافع خود را تأمین می‌کند، مگر

مربوط به خود کاری کرد که دولت افغانستان به صورت مشترک با حضور اشرف غنی و عبدالله تشکیل شود اما آنها اشرف غنی را به عنوان رئیس جمهوری افغانستان انتخاب کردند و عبدالله ریاست اجرایی دولت را به عهده گرفت. دلیل اینکه چرا اشرف غنی در آن زمان و در حالت فعلی به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد، به پشتون بودن او برمی‌گردد؛ راهبردی ایالات متحده در مورد ساختار قدرت در افغانستان به گونه‌ای است که معتقدند رئیس جمهور باید از قوم پشتون انتخاب شود تا از آن طریق طالبان هم قدرتش را در پشت صحنه حفظ کند و از سوی دیگر تمام ساختار قدرت به هزاره‌ها، ازبک‌ها و تاجیک‌ها که از گذشته تاکنون بایران همراه و هم‌هانگ بوده‌اند، نرسد. بر این اساس در انتخاب ریاست جمهوری این دوره که در مهرماه سال ۱۳۹۸ بر گزار شد، مجدداً شاهد مهندسی آن توسط ایالات متحده بودیم که باز هم اشرف غنی به عنوان رئیس جمهوری این کشور انتخاب شد و در آنجا جدال میان عبدالله و جناح غنی بالا گرفت. بر هر ترتیب با فراز و فرودهای متعدد شاهد آن بودیم که روز یکشنبه توافق‌نامه‌ای بر سر تقسیم قدرت میان عبدالله و اشرف غنی به امضا رسید. بر اساس این توافق، ریاست شورا عالی مصالحه به عبدالله واگذار شد و قرار بر این شد تا ۵۰ درصد از کابینه هم توسط او تعیین شود.

از سوی دیگر والی‌های ولایات و برخی از سفرا هم از سوی طیف عبدالله انتخاب خواهد شد ولی مسأله اینجاست که طالبان قبل از امضای این توافق رسماً اعلام کرد که این شورا برای آنها وجهت ندارد و عبدالله، خارج از این شورا گفت‌وگو می‌کند. این مدل از موضوع گیری به خوبی نشان می‌دهد که او راه بسیار سختی را در مورد مذاکرات صلح با طالبان در پیش دارد. این مسأله فقط در مسائل سیاسی خلاصه نمی‌شود بلکه موضوعات امنیتی و میدانی را هم در خود علیه دولت را ادامه می‌دهد. از سوی دیگر عبدالله علاوه بر طالبان با تیم ثبات و همگرایی که هم‌قطاران سابق خود به حساب می‌آیند بر سر توافق با اشرف غنی نزاع و اختلاف دارد و این یکی دیگر از موضوعاتی است که عبدالله را با موانعی روبرو خواهد کرد.

راهبردا ایالات متحده در مورد ساختار قدرت در افغانستان به گونه‌ای است که معتقد است رئیس جمهور باید از قوم پشتون انتخاب شود تا از آن طریق طالبان هم قدرتش را در پشت صحنه حفظ کند

کشورها و اهدافی که بهم ریختگی در نتیجه‌های آن بر ندارد و عملاً باید در این نقاط به صورت پنهان (نه آشکار) کار را جلو برد. در این مسیر سناریوی ایالات متحده علاوه بر بهم ریختگی امنیتی، ایجاد گسست سیاسی، قومی و مذهبی در افغانستان بوده که به صورت‌های مختلف شاهد اجرای آن بوده‌ایم. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۴ میلادی شاهد آن بودیم که آمریکایی‌ها به حدی تقلب در انتخابات ریاست جمهوری را رواج دادند که در نهایت اشرف غنی با کمی اختلاف از عبدالله پیشی گرفت. در آن زمان جان کری، وزیر خارجه وقت ایالات متحده با راهکار

ترامپ و شی

آغازگر جنگ سرد نوین؟

رهبران چین و آمریکا جنگ لفظی تند و تیزی بر سر شیوع کرونا و بروس و کووید-۱۹ به راه انداخته‌اند و هر دو تمایل دارند پایگاهشان را در داخل حفظ کنند. با ادامه لفاظی‌ها و وقوع یک جنگ سرد جدید دور از انتظار نیست. جولیان بورگر و اما گراهام -هریسون در مطلبی برای آبرزور با اشاره به بحران کرونا و تیرگی روابط چین و آمریکا در بررسی رویارویی‌های جدید در حال ظهور می‌نویسند: «در واقع سیاست خارجی، توجه چندانی را در کمپین‌های انتخابات آمریکا به خود اختصاص نداد. این حوزه در حد چند دقیقه در مناظره‌های انتخابات درون حزبی دموکرات‌ها مورد بحث قرار گرفت اما این برای قبل از شیوع کرونا و بروس بود. در حال حاضر احساسات ضد چین، تم اولیه تلاش دوباره دونالد ترامپ برای تثبیت جایگاهش در کاخ سفید از طریق انتخابات را تشکیل می‌دهد، آن هم در شرایطی که جایگزین کارآمدی وجود ندارد. مانور روی وضعیت اقتصادی، انطور که رئیس جمهوری آمریکا انتظار دارد، یا مانور روی واکنش دولت او به شیوع کرونا یا توجه به تلفات انسانی بسیار بالا غیر ممکن به نظر می‌رسد. چین هراسی اما جذاب‌ترین گزینه کنونی به شمار می‌رود، چرا که می‌تواند هر دو ناکامی را توجیه کند. جود بلانشت، کارشناس چینی در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی می‌گوید: متأسفانه، این رویه گاهی اوقات منطبق عبور از یک مانع بالقوه در سیستم‌های دموکراتیک محسوب می‌شود. حتی اگر این رویکرد صدمات جانبی ملی چشمگیر به همراه داشته باشد، زمانی که بحث بقای سیاسی در میان باشد، بد خوب جلوه می‌کند. کمپین‌های ریاست جمهوری آمریکا با موضوع چین رنگ و بوی پیچیده‌ای گرفته است. حامیان ترامپ روز جمعه موج جدیدی از حملات تبلیغاتی علیه جو بایدن به راه انداختند و از او به عنوان «پکن بایدن» یاد کردند و از سخنان و ویرایش شده گذشته او و یادداشتی به زبان چینی در مدح چین استفاده کردند. کمپین بایدن هم تبلیغات مشابهی داشت و در آن سخنان گاه‌چرب و نرم ترامپ در ستایش شی جین‌پینگ و استقبال اولیه گرم او از چین بابت واکنش به این پاندمی بهره برد.



سواپیک این دو نامزد از عمق ماجرا حکایت دارد. هر دو این‌ها در قبال یک شریک تجاری قدرتمند با سابقه حقوق بشری نه چندان روشن چالپوسی داشته‌اند، با این حال چالپوسی اغراق آمیز ترامپ مقابل شی جین‌پینگ در سطح دیگری است. بر اساس فرضیه‌ای که در هر دو کمپین وجود دارد و آمارها آن را تأیید می‌کند، هر نوع ارتباطی با چین برای انتخابات سم است. نتایج تحقیقات ماه گذشته پیون نشان می‌دهد دو سوم آمریکایی‌ها دیدگاهی منفی برابر چین دارند. این بی‌اعتمادی از زمانی که ترامپ روی مسوولیت چینی‌ها روی شیوع کرونا تأکید بیشتری کرده، عمیق‌تر شده است. با این پس زمینه، کارزار انتخاباتی آمریکا به جنگ پیشنهادات برای جنگ طلبانه‌ترین سیاست‌ها علیه چین تبدیل شده است و رئیس جمهوری آمریکا در روزهای گذشته به انتهای این طیف رسید. ترامپ در گفت‌وگو با فاکس نیوز با بیان اینکه ممکن است ما کل روابطمان را قطع کنیم مدعی شد که چنین اقدامی می‌تواند ۵۰۰ میلیارد دلار به سود آمریکا تمام شود! انتظار می‌رود ترامپ به عنوان رئیس جمهوری کنونی آمریکا حرف و عملش را یکی کند؛ بنابراین لفاظی‌های تند و تیز انتخاباتی احتمالاً روی روابط آمریکا و چین تأثیرات چشمگیری خواهد داشت و همین موضوع می‌تواند تأثیر مخربی روی اقتصاد جهانی و همکاری چند جانبه گذاشته و در عین حال، خطرات کوچک اما رو به رشد درگیری را تقویت کند. میرا پ - هوپسر، کارشناس امنیتی منطقه آسیا - پاسیفیک در شورای روابط خارجی می‌گوید: تمام علائم حاکی از آن است که این دولت پارافراتر خواهد گذاشت تا تقصیر شیوع این پاندمی را بیشتر به گردن چین بیندازد و سیاست‌هایی را دنبال کند که آنرا سخت‌گیرتر علیه چین نشان دهد.

واکنش صدر به برافراشتن پرچم همجنس‌گرایان در عراق!

رهبر جریان صدر عراق به برافراشته شدن پرچم همجنس‌گرایان توسط هیئت اتحادیه اروپا در عراق واکنش نشان داد. به گزارش خبرگزاری المعلومه، برافراشته شدن پرچم همجنس‌گرایان توسط هیئت اتحادیه اروپا در عراق با همکاری سفارت کانادا و انگلیس در روز جهانی مبارزه با هراس از همجنس‌گرایان واکنش‌های شدیدی را از سوی مسئولان عراقی به دنبال داشت. مقتدی صدر، رهبر جریان صدر عراق در واکنش این اقدام انتقال مصعبت والحداد و آداب ناپسند از جوامع دیوانه غرب به جوامع اسلامی دانست. وی از دولت عراق خواست پاسخ جدی به این اقدام اتحادیه اروپا و سفارت‌های کانادا و انگلیس بدهد. رهبر جریین صدر همچنین از پارلمان خواست عاملان را محاکمه کرده و اتحادیه اروپا را به عذر خواهی وادار کند. صدر همچنین خواهان برافراشته شدن پرچم‌های اسلامی و مسیحی و بهبودی بر فراز سفارت‌های عراق در کشورهای اتحادیه اروپا و واکنش به این اقدام شد.



اقدام دیروز طالبان در انفجار یک خودروی بمبگذاری شده در ولایت غزنی، صریحاً به عبدالله و غنی این پیام را مخابره می‌کند که جریان مذکور همچنان بر سر موضع قبلی خود ایستاده و دولت را به چالش می‌کشاند و نشان دهنده عدم تمایل این جریان به مصالحه است

دست‌کم هفت کشته و بیش از ۴۰ زخمی بر جای گذاشت. چند ساعت بعد، ذبیح‌الله مجاهد (سخنگوی طالبان) در پیامی توییتی رسماً مسئولیت این انفجار را بر عهده گرفت. اقدام طالبان صریحاً به عبدالله و غنی این پیام را مخابره می‌کند که جریان مذکور همچنان بر سر موضع قبلی خود ایستاده و تا آخرین نفس دولت را به چالش می‌کشاند. به عبارتی دیگر این اقدام و اقدام‌های بعدی می‌تواند نشان‌دهنده عدم تمایل این جریان به مصالحه با عبدالله و به صورت کلی دولت افغانستان باشد. نکته‌ای که در اینجا باید مورد نظر قرار بگیرد این است که بر اساس توافق اخیر که به اختلافات سیاسی میان اشرف غنی و عبدالله عبدالله پایان داد، «عبدالرشید دوستم» به رتبه مارشال در نیروهای مسلح ارتقا یافته و عضو شورای عالی دولت و شورای امنیت این کشور شده است. او کسی است که طالبان را بارها از اقصی نقاط افغانستان در زمان جهاد و جنگ‌های داخلی بیرون کرده و احتمالاً در آینده نزدیک سوار بر اسب معروفش به جبهه جنگ علیه طالبان می‌پیوندد. در این میسان باید توجه داشت که توافق طالبان و آمریکائیه نفع نظامیان ایالات متحده تمام شده است؛ چرا که طالبان همچنان حملات خود علیه دولت را ادامه می‌دهد. از سوی دیگر عبدالله علاوه بر طالبان با تیم ثبات و همگرایی که هم‌قطاران سابق خود به حساب می‌آیند بر سر توافق با اشرف غنی نزاع و اختلاف دارد و این یکی دیگر از موضوعاتی است که عبدالله را با موانعی روبرو خواهد کرد.

خبر

دولت جدید اسرائیل از کنست رای اعتماد گرفت



دولت جدید اسرائیل که حاصل ائتلاف میان «بنیامین نتانیاها»، نخست‌وزیر اسرائیل و «بنی گانتز»، رهبر حزب آبی و سفید، است از کنست رای اعتماد گرفت. اعضای پارلمان اسرائیل امروز -یکشنبه- با ۷۳ رای موافق و ۴۶ رای مخالف به دولت ائتلافی رای اعتماد دادند. به گزارش راشا تودی، دولت جدید اسرائیل که حاصل ائتلاف میان «بنیامین نتانیاها»، نخست‌وزیر اسرائیل و «بنی گانتز»، رهبر حزب آبی و سفید، است از کنست رای اعتماد گرفت. اعضای پارلمان اسرائیل امروز -یکشنبه- با ۷۳ رای موافق و ۴۶ رای مخالف به دولت ائتلافی رای اعتماد دادند. این در حالی است که نتانیاها پیشتر طی سخنرانی در کنست گفت که دولت جدید انضمام سرزمین‌های کرانه باختری را در دستور کار قرار خواهد داد. این در حالیست که حازم قاسم، سخنگوی جنبش حماس فلسطین در سخنانی نسبت به تشکیل کابینه جدید

حمایت از آبه شینزو به پایین‌ترین حد رسید

میزان حمایت از «آبه شینزو»، نخست‌وزیر ژاپن به پایین‌ترین حد در دو سال اخیر رسید. شرکت کنندگان در یک نظر سنجی جدید از عملکرد وی در مقابله با شیوع کرونا و همچنین به دلیل تلاش وی برای تصویب لایحه‌ای که به او برای انتخاب دادستان‌های ارشد قدرت بیشتری می‌دهد، ابراز نارضایتی کرده‌اند. به گزارش بلومبرگ، این نظر سنجی که توسط روزنامه «اساهی» در روزهای شنبه و یکشنبه انجام و روز گذشته (دوشنبه) منتشر شد نشان داد حمایت از آبه ۸ درصد نسبت به یک ماه گذشته کاهش داشته و به ۳۳ درصد رسیده است که پایین‌ترین میزان از سال ۲۰۱۸ یعنی زمانی است که وی با اتهام پارتی بازی و رابطه، در محول کردن سمت‌های مهم روبرو بود. نظر سنجی دیگری از سوی شبکه کانال‌های تلویزیونی خبری ANN هم نشان داد کابینه‌های او با کاهش ۷ درصدی رضایت روبرو بوده و میزان حمایت از آن به ۲۲.۸ درصد رسیده است.

